



درگذشت استاد ادبیات فارسی

سیدجعفر حمیدی، استاد زبان و ادبیات فارسی بر اثر کپهولت‌سن و بیماری در ۸۹ سالگی در منزل شخصی خود درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، سیدجعفر حمیدی، متولد پنج آذرماه ۱۳۱۵ در بندر بوشهر و فارغ التحصیل دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد بود. بیش از ۴۰ سال تدریس در دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه شهیدبهشتی، شرکت‌وارائه‌مقاله‌و سخنرانی در سمینارهاو کنگره‌های علمی و ادبی داخل و خارج از کشور و تألیف بیش از ۴۰ عنوان کتاب‌در حوزه‌های مختلف، بخشی از حاصل یک عمر فعالیت علمی و فرهنگی او بود. «فرهنگ‌نامه‌شب» (۱۳۹۴)، «فرهنگ واژه‌های بوشهری» (۱۳۹۸)، «ایرج میرزا و شعر تعلیمی» (۱۳۹۹)، «خرنামه» (۱۳۹۹) و «بوشهر من» (۱۴۰۱) برخی از آثار منتشرشده متأخر سیدجعفر حمیدی است. در سال ۱۳۸۳ به‌همت شورای شهر تهران مراسم بزرگداشتی برای حمیدی برگزار و یکی از خیابان‌های این شهر واقع در محدوده محل سکونت‌اش (باقرخان)، بنام «دکتر سیدجعفر حمیدی» نامگذاری شد.



۲۳۰۰ ناشر در نمایشگاه کتاب

با پایان مهلت ثبت‌نام ناشران برای حضور در دو بخش فیزیکی و مجازی نمایشگاه کتاب، بیش از دوهزار و ۳۰۰ ناشر برای حضور در این رویداد ثبت‌نام کرده‌اند. ستاد خبری سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ضمن اعلام این خبر نوشت، بر این اساس تعداد هزار و ۶۲۶ ناشر در بخش حضوری نمایشگاه کتاب، تقاضای خود را به ثبت رسانده‌اند. همچنین در بخش مجازی، دوهزار و ۳۶۰ ناشر برای حضور اعلام آمادگی کرده‌اند که بعد از بررسی‌های اولیه، وضعیت هر یک از ناشران برای حضور در بخش حضوری و مجازی به آن‌ها اعلام خواهد شد. پیش از این ابراهیم کریمی‌زنجانی، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران درباره واسپاری بخشی از امور اجرایی نمایشگاه به صنف ناشران گفته بود، واسپاری امور به صنف ناشران، حرکت بسیار خوب و صحیح این دوره از نمایشگاه کتاب است. سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ با شعار «بخوانیم برای ایران»، در محل مصلای امام خمینی (ره) برگزار می‌شود.



درگذشت مدیر انتشارات طراوت

عفت نجارنوبری، مدیر انتشارات طراوت و عضو هیئت‌موسس و هیئت‌مدیره انجمن فرهنگی - هنری زنان ناشر درگذشت. ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت، نجارنوبری پیش از این مسئول فرهنگی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی تهران جنوب، مدیر گروه مقطع کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی تهران جنوب، مدیر گروه مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی تهران جنوب و معاون فرهنگی و دانشجویی مجتمع ولی عصر (عج) بود. از جمله کتاب‌های نجارنوبری می‌توان به «باز کن از جبین گره: شرح غزلیاتی از صائب تبریزی» (کاری مشترک با محمدرضا عباسپور)، «اصول نگارش (شیوه و نگارش انواع نامه، گزارش، رزومه، مقاله، پایان‌نامه و...)» (کاری مشترک با مریم جلالی)، «تأثیرپذیری شاعران دفاع مقدس (قیصر امین‌پور و سلمان هراتی) از شاعران سبک هندی» و... اشاره کرد. او همچنین ویراستار آثاری چون «مبانی روزنامه‌نگاری: قابل استفاده دانشجویان علوم ارتباطات اجتماعی»، «تحلیل ساختار عبارات عربی گلستان سعدی» و... بود.

گفت‌وگو با سعدی در باب بشرِ خودکُش

اول اردیبهشت بزرگداشت شاعری است که

با حکمت انسان دوستی بین دوپاره‌ی جهان پیشامغول و پسامغول پل زد



محمّدجعفر امیرمحلّاتی

استاد الهیات صلح

شعر پارسی چکیده‌ی منظوم عالی‌ترین جاودانه خردهای تمدن ایرانی در ساحت میراث کهن این تمدن همچنان صدرنشین است. در این شاه‌نشین، جایگاه سعدی، شاعر پارسی‌گوی، بی‌همتا و جاودانه است. هشت قرن پس از سعدی، هنوز، هیچ شاعر فارسی‌گویی در همه‌ی فرهنگ‌های آسیایی از بنگلادش گرفته تا ترکیه نتوانسته به‌اندازه‌ی سعدی در حافظه‌ی ادبی و تربیتی این قاره بنشیند. به همین دلیل اول اردیبهشت‌ماه، روز بزرگداشت سعدی در حقیقت روز بزرگداشت زیباترین و دلنشین‌ترین میراث تمدن ایرانی - یعنی روز بزرگداشت شعر و ادب فارسی - بلکه روز بزرگداشت انسانیت است.

خوانندگان سعدی فارغ از اینکه در چه جغرافیایی زندگی می‌کنند همواره از روزآمدی اندیشه‌ها و حکمت‌های او به حیرت می‌افتند. نه در گذشته، نه در حال که زمانه‌ی فروپاشی نهادهای حقوق‌بشری به‌واسطه‌ی نسل‌کشی‌های عربان و پشتیبانی‌شده است، هیچ حکیمی مانند سعدی یافت نمی‌شود که نویدبخش اندیشه‌ی دوستی به‌عنوان پادزهر دشمنی‌ها باشد و دغدغه‌ی از دست رفتن فرصت‌های مهرورزی به تمامیت پیکره انسانیت را یادآوری کند.

به یقین نظام‌های سیاسی حامی نسل‌کشی فراموش نکرده‌اند که در سال‌های نه‌چندان دور، یعنی در سال‌های پایانی دهه‌ی دوم قرن ۲۱، افسردگی‌های میلیونی ناشی

از تنهایی‌های گسترده و خودکشی‌های فراینده چگونه دولتمردان انگلستان و ژاپن را به تأسیس وزارتخانه‌های امور تنهایی کشاند.

حاصل آنکه جهانیان در همین چندساله‌ی اخیر و در اندازه‌های بی‌مانند یا مشغول خودکشی یا دیگرکشی بوده‌اند.

▼ سعدی، فیلسوف هستی‌شناس

در رویارو شدن با این دگرگونی‌های هستی‌برافکن، کدام فیلسوف را می‌شناسیم که با آسیب‌شناسی دقیق در اهمیت پیوندهای انسانی بگوید:

گر تیغ برکشند عزیزان به خون من

من همچنان تأمل دیدار می‌کنم

آن‌ها که خوانده‌ام همه از یاد من برفت

الا حدیث دوست که تکرار می‌کنم

این سخنان سعدی، خیلی فراتر از اینکه نشانه‌ی احساس مهربانی و دلسوزی باشد، تفسیر یک فلسفه‌ی هستی‌شناسی است که زندگی را در ژرف‌ترین پهنه‌ی خود معنی می‌کند. اگر فلسفه‌ی مدرن با تأکید بر «منافع شخصی» و اهمیت «خودمختاری» به‌مثابه‌ی والاترین ارزش اخلاقی بر طبل فردگرایی می‌کوبد و رستگاری هر دو دنیا را از طریق پی جویی منافع و آزادی‌های شخصی ممکن می‌داند، سعدی این گزاره‌ی ناموفق و جنگ‌افزا را هشت قرن پیش در نیم‌بیت مردود اعلام کرده است:

«من از آن روز که در بند توأم آزادم».

سعدی، آزادی واقعی را برآمده از مهرورزی انسانی می‌شناسد و از همین‌روست که انسان بی‌تفاوت نسبت به رنج دیگران یا آدم بی‌عشق را از جرگه‌ی انسانیت خارج می‌داند:



روز

سعدی

تو کز محنت دیگران بی‌امی

نشاید که نامت نهند آدمی

واقعاً اگر شاعری ریختن یک قطره خون بیگناه را

بهای سنگین و غیرقابل قبولی برای مُلک سراسر زمین می‌دانست امروز کودک‌کشی‌های عربان را در مقیاس

ده‌ها هزار می‌دید چه می‌گفت؟

به مردی که ملک سراسر زمین

نیارزد که خونی چکد بر زمین

▼ دریادل و بلکه «دریاآشام»

غرض از مقدمه فوق صرفاً یادآوری ضرورت بزرگداشت سعدی و حکمت تمدن گستر سعدی نیست، بلکه بهانه‌ی یادآوری و بزرگداشت یکی از فاخرترین شعرای معاصر افغانستان یعنی شادروان خلیل‌الله خلیلی است که اکنون نزدیک به چهار دهه است که روی در تقاب خاک کشیده و به‌سوی فردوس پرواز کرده است.

خلیلی که همانند پیشوا و مراد ادبی اش - یعنی سعدی - جهان‌شناس عصر خویش بود، جدا از استادی ادبیات فارسی، سال‌ها به‌عنوان یک دیپلمات افغانستانی به وطن خویش خدمت کرده بود، طعم آوارگی‌ها را درنتیجه تجاوز شوروی به افغانستان چشیده بود و با دیدی فراخ و جهان آگاه، وجدان رقیق انسانی را فراتر از خاک و زادگاه خود نمایندگی می‌کرد. شاهدمثال، داستان دل‌انگیزی است که بین نگارنده این سطور و او رخ داد. در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ خورشیدی، من به‌عنوان نماینده‌ی ایران در سازمان ملل، سخت درگیر تلاش برای پایان‌دادن جنگ طولانی و خاتمان‌سوز عراق علیه ایران بودم و قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را برای رسیدن به صلح پی می‌گرفتم. در همان روزگاران دانستم که برای بزرگداشت سعدی، همایشی در شیراز طرح‌ریزی شده است و یکی از مدیران آن برنامه در تماس شخصی از من خواست که از میان سعدی شناسان مقیم آمریکا کسی یا کسانی را برای شرکت در کنگره‌ی سعدی دعوت کنم. از بخت خوش دیری نیابید که مطلع شدم یک شاعر بلندپایه و پارسی‌گوی افغانستانی از سر ناچاری و فرار از تجاوزات اتحاد شوروی به افغانستان، در ایالت نیوجرسی آمریکا مقیم شده و دوران کپهولت را می‌گذراند. کسی که رابط بین من و ایشان بود، ابیاتی را از او می‌خواند که نشان از یک طبع رقیق وطن‌دوستانه داشت. خلیلی خطاب به رودخانه‌ی هودسن که از نزدیکی خانه‌ی موقت او می‌گذشت، گفته بود:

امواج هودسونم نبرد دل ز کف که من / دیوانه‌ی نوازش

دریای دیگرم

با اشتیاق و همدردی، با او تماس گرفتم و از ایشان دعوت کردم برای شرکت در همایش سعدی در شیراز به ایران سفر کند. با اندوهی وصف‌ناپذیر پاسخ داد که به‌علت بیماری‌های متعدد، زمین گیر است و بدن رنجورش مسافرت طولانی را برنمی‌تابد ولی قول داد که قصیده‌ای را در بزرگداشت سعدی تقدیم کنگره کند. چیزی نگذشت که به وعده وفا کرد و قصیده‌ی بلند و فاخری که در بزرگداشت سعدی سروده بود، برایم فرستاد که تقدیم دبیرخانه همایش شیراز کردم. از این بهروزی در همه‌ی عمر مفتخرم، زیرا قصیده‌ی خلیلی نه‌تنها با استعارات باشکوه سعدی را ستوده بود بلکه در لابه‌لای این ستایش‌های معرفت‌افزا، به‌خاطر فجایع تجاوز شوروی به افغانستان دادنامه و رنج‌نامه‌ای را تقدیم جهانیان و وجدان‌های بیدار کرده بود. خلیلی در حقیقت سعدی - شاعر «بنی‌آدم» - را به قرن بیستم فراخوانده بود تا در حیرت مشاهده‌ی شدت جنایات تجاوزگران، شعر تاریخی «بنی‌آدم» را از نو بازآفرینی و تفسیر کند یا به اعتراف بکشاند که بنی‌آدم چندان هم اعضای یک پیکر نیستند. در این قصیده قدرتمند، خلیلی اعتراف کرده که سعدی از لحاظ ظرفیت فهم مکارم انسانی دریادل و بلکه «دریاآشام» است. باین حال او را به مشاهده‌ی جنایات جنگ و تجاوز خوانده و منتظر است سعدی بار دیگر زبان نافذ را بچرخاند و بر زندگی معاصر معناهای جدیدی بیافکند.

به‌نظر نگارنده دعوت خلیلی از سعدی به‌شدت تکان‌دهنده و تأمل‌برانگیز است. خاک عشق آلود شیراز، خلیلی را برای دیداری دعوت کرده بود و خلیلی با دعوت متقابل از سعدی برای دیداری از افغانستان و بازگویی حکمت‌هایش در رویارویی با فجایع یک ابرقدرت، درواقع به عربان‌سازی بی‌اخلاقی «اردوگاه شرق» همت گماشت. باری، قصیده‌ی فاخر خلیلی در کنگره‌ی سعدی در